

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تبیین دیدگاه مرحوم امام خمینی (مرحله چهارم)

بحث در بیان فرمایش امام (رضوان الله تعالی علیه) است؛ عرض کردیم به حسب ترتیبی که ما بیان می‌کنیم در چهار مرحله این بیان امام باید ذکر شود، سه مرحله را بیان کردیم با آن تعلیقات و حواشی‌ای که خودمان بر فرمایش امام داشتیم ملاحظه فرمودید.

مرحله اول: ایشان فرمودند ما در میان روایات روایاتی داریم که ظهور در این دارد که ضمان به قیمت است حتی در مثلیات

مرحله دوم: فرمودند روایاتی داریم که در این معنا صریح است که ضمان به قیمت است حتی در مثلیات

مرحله سوم: فرمودند روایات متفرقه‌ای داریم که از آنها استفاده می‌شود «الافساد و الاتلاف موجب ضمان القيمة مطلقاً» چه در مثلیات و چه در قیمیات، لذا تا اینجا می‌فرمایند ما باشیم و این روایات مقتضای این روایات این است که بگوئیم در فقه در تمام موارد ضمان به قیمت است، اساساً دیگر ما پای مثل را مطرح نکنیم!

مرحله چهارم [1]: حالا وارد مرحله چهارم می‌شوند؛ اگر بخواهیم از مفاد این روایات که ضمان را به قیمت قرار می‌دهد مطلقاً خارج شویم نیاز به یک دلیل داریم، یک دلیل مخرجی اگر در کار باشد ما از مقتضای این روایات خارج می‌شویم. می‌فرمایند دلیل مخرج اجماع است [2] و بالاتر از اجماع تعبیری است که مرحوم صاحب جواهر (علیه الرحمه) دارد که می‌فرماید این از قطعیات فقه است [3]. یعنی دیگر جای مناقشه و تردید در آن نیست، همه‌ی فقها قبول دارند. چه چیز خارج می‌شود؟ اگر یک مالی مثلی باشد و بالفعل هم مثل برای او موجود باشد از این مقتضای روایات اجماع داریم که در این مورد باید مثل داده شود که اینجا دیگر مسئله‌ی قیمت مطرح نیست.

اگر یک مالی مثلی است ولی وقتی تلف شد مثل بر آن متعذر است، یا نادر است، اینجا دیگر نباید بگوئیم از اول ضمان به مثل است، ذمه به مثل اشتغال پیدا می‌کند اما حالا که متعذر شد مثلاً انقلاب به قیمت پیدا کند. اگر یک مال مثلی برایش مثل متعذر شد یا نادر شد، یا حتی یک فرعی را در سال گذشته خواندیم که «إذا لم يوجد المثل إلا بأكثر من ثمن المثل» اگر یک مالی مثلی است ولی اگر ضامن بخواهد مثلش را پیدا کند، مثلش که قبلاً در بازار معامله می‌شده صد تومان الآن اگر بخواهد بخرد باید ده هزار تومان بخرد، البته این را اینجا امام اشاره نکردند! اینجا می‌فرمایند آنچه که ما برایش دلیل داریم، آنجایی است که یک مثلی مثل دارد بالفعل، این را اجمال می‌گوید که باید همین مثل را تهیه کند و به مالک بدهد، اما می‌فرمایند اگر یک جایی مثل متعذر است یا هست ولی نادر الوجود است، این تحت همان قاعده‌ی اولیه که از آن روایات استفاده کردیم که ضمان به قیمت است باقی می‌ماند! حالا ما می‌خواهیم عرض کنیم باید این را هم ایشان اضافه می‌کردند که حتی در جایی هم که «لم يوجد المثل إلا بأكثر من ثمن المثل» باید بگوئیم داخل در این اجماع نیست، چون آن هم محل اختلاف بود، می‌فرمایند قدر متیقن در جایی است

که مالی مثلی باشد و مثلش هم بالفعل موجود باشد، این از آن قاعده‌ی اولیه خارج می‌شود ولی بقیه‌ی موارد را ما باید بگوئیم تحت این قاعده‌ی اولیه که ضمان به قیمت است مطلقاً باقی می‌ماند.

نقد دیدگاه مرحوم امام خمینی

اولاً: ما در سال گذشته وقتی که این بحث «المثلی یضمن بالمثل و القیمی یضمن بالقیمه» شد، گفتیم یکی از ادله‌ای که برایش اقامه شده اجماع است و ما در اجماع خدشه کردیم! مخصوصاً کسانی که می‌گویند اجماع اگر مدرکی یا محتمل المدرك باشد قبول نیست، ولو اینکه ما این را قبول نداریم ولی مشهور متأخرین که الآن می‌گویند اجماع اگر مدرک یا محتمل المدرك باشد مسلماً این اجماع در اینجا محتمل المدرك است و ما نمی‌توانیم قبول کنیم.

ثانیاً: درست است صاحب جواهر (علیه الرحمه) فرموده این از قطعیات فقه است ولی این ادعای صاحب جواهر است، اینکه ما باید بگوئیم در مثلی یضمن بالمثل، اگر بالفعل مثلش موجود است، اینکه بگوئیم این حتماً از قطعیات در فقه است خودش محل تأمل است. صاحب جواهر ادعا می‌کند قطعی است.

نکته اجتهادی: یکی از چیزهایی که در باب اجتهاد باید فقیه دقت کند این است که فریب ادعای ضرورت و قطعی بودن را نخورد! ما مواردی داریم خود صاحب جواهر فرموده این از ضروریات فقه است، شهید ثانی یا برخی دیگر قبل از صاحب جواهر مخالفت کردند، یعنی نمی‌توانیم بگوئیم به صرف اینکه یک فقیه بزرگ مثل صاحب جواهر گفت این مسئله از ضروریات است دست ما بسته شود، بگوئیم دست ما بسته شد! بگوئیم ایشان گفته از ضروریات است و اصلاً جای استدلال و اجتهاد و این بحث‌ها در آن نیست.

بزرگانی هم مثل مرحوم محقق ایروانی معتقد به پرداخت قیمت ساریه هستند که ساریه را در هفته گذشته معنا کردیم، آن قیمت ساریه را ضمان است، اینکه ما بگوئیم حتماً از قطعیات فقه است خود همین محل تأمل است، علی‌ای حال به اجماع یا اینکه این قطعی است نمی‌شود تمسک کرد.

کلام مرحوم امام (رضوان الله علیه) به اینجا منتهی می‌شوند که (ولو بر طبق آنچه که در این کتاب البیع معتقدند فتوا نداده اند بلکه در مقام فتوا فرموده اند: المثلّی یضمن بالمثل و القیمی یضمن بالقیمه) «المال التالف مطلقاً» چه مثلی باشد و چه قیمی باشد «یضمن بالقیمه» فقط یک مورد محدود را خارج می‌کند؛ مال مثلی که مثلش موجود باشد.

ثالثاً: ما چون در آن مقدّمات قبلی خدشه‌هایی داشتیم اساساً این کُبرایی را که امام استفاده کردند که از این روایات استفاده می‌شود «المال التالف یضمن بالقیمه مطلقاً» چه مثلی باشد و چه قیمی؟ گفتیم از این روایت چنین چیزی را استفاده نمی‌کنیم.

نکته: یک نکته‌ای را دیروز فراموش کردیم؛ اگر در باب خسارت و تلف شما بیائید یک مال معینی را تلف کنید می‌گوئیم باید بررسی کنیم این مال مثلی بوده یا قیمی؟ و آنچه که کلام مشهور هست فعلاً در همین است اما آیا نمی‌توانیم بگوئیم روایت موثقه‌ی سکونی که الآن شما به آن اشاره کردید این موردش جایی است که مجموعه‌ای از اشیاء از بین رفته، خانه را آتش زده، اهل خانه را سوزانده، متاع خانه از جمله فرش و لباس و وسائل، بیائیم ادعا کنیم یا احتمال بدهیم «العلم عند الله» بگوئیم عقلاً در مواردی که انسان یک اتلاف این چنینی را انجام می‌دهد دیگر بگویند کدام مثلی و کدام قیمی بود؟ بلکه می‌گویند قیمت مجموع را باید داد، یعنی در جایی که «فی عمل واحد» یک کسی خانه‌ای را با وسائش آتش می‌زند، اینجا دیگر ملاحظه نمی‌شود که این فرش مثلی بوده، قاشقش قیمی بوده، متکای آن چطور بوده، می‌آیند همگی آن را به عنوان قیمه محاسبه می‌کنند. به نظر ما این احتمال بعید نیست؛ کما اینکه حالا مجالی نشد من مراجعه کنم، شما به بحث دیات مراجعه کنید اگر در یک جایی یک کسی با یک ضربه استخوانی را بشکند و باز ضربه‌ی دوم را بزند و یک مقدار بالاتر از آن را بشکند، ضربه‌ی سوم را در مرتبه‌ی سوم بزند اینجا فقها

می‌گویند سه تا ديه بايد برایش حساب بشود، در هر کدام ديه‌ي خاصّ خودش بايد مورد نظر قرار بگیرد، اما اگر في ضربه واحدۀ طورې زد که سه جا شکست، اینجا فرق می‌گذارند، آنچه که اجمالاً در ذهنم هست این است که بین آنجایی که في ضربات متعدده، دفعات متعدده، با آنجایی که في ضربه واحدۀ و دفعۀ واحدۀ فرق می‌گذارند. روایت هم اینطور نیست که همه جا با تعبّد وارد شده باشد، یعنی شما الآن اینجا در همان جا هم ارتکاز عقلا هم همینطور است.

نکته: مرحوم امام و آقای خوئی وقتی ادله را قبلاً ذکر می‌کردیم فرمودند فقط بنای عقلاست که می‌گویند المثلي یضمن بالمثل و القيمي بالقيمة، این يك. ما عرض کردیم اگر واقعاً سراغ ارتکاز و بنای عقلا برویم بنای عقلا حتّی در قیّمیات این است که اگر مثلش موجود بشود ضمان به مثل است، این دو. اما مطلب سوم که فوق این مطالب است این است که اگر ما گفتیم شرع اصل ضمان را تأیید کرده، اما کیفیت ضمان را اهالیه به عقلا داده، ما می‌گوئیم این سبب می‌شود بگوئیم در هر زمانی ببینیم عقلاي آن زمان، در هر شهری ببینیم عرف آن شهر کیفیتش چه چیزی قائل است؟ ممکن است الآن در اینجا عقلا بگویند يك مالي بايد مثلش داده شود ولي در اروپا آنجا بحث مثل مطرح نباشد و قیمت مطرح باشد.

مرحوم امام خمینی در صفحات قبل در کتاب البیع فرمودند که شارع اصل ضمان را بیان فرموده اما کیفیت ضمان را بیان نفرموده ولی در اینجا در این مرحله‌ي اول و دوم و سوم تمام بحث امام در این بود که شارع کیفیت ضمان را هم بیان کرده و آن هم قیمت است. پس این فرمایش امام از آن فرمایش قبلي عنوان عدول را دارد. حالا ما قبلاً اصل مطلب را قبول کردیم و لذا این مطالبی که امام از آن نتیجه گرفتند را نپذیرفتیم و معتقدیم اولاً روایات در مقام بیان کیفیت ضمان نیست. ثانیاً اگر شما خیلی بر ظاهر این روایات جمود کنید باز می‌گوئیم به عنوان تعبّد خاص نفرمودند، به عنوان اینکه رایج بین العقلا هم همینطور است، وقتی می‌فرماید یغرم قيمة الدار، یغرم ثمن البختی، همان است که رایج بین عقلاي زمان خودشان هم بوده که باز تأیید می‌کنم که پایه‌ي اصلي را حفظ کنیم بگوئیم شارع اصل ضمان را تأیید کرده، کیفیت ضمان در هر زمانی باید به عقلا و عرف همان زمان مراجعه شود که اگر واقعاً این را ما محکم نگهداریم و واقعاً چیزی این را تخطئه نکند این يك پویایی خیلی خوبی در بحث معاملات ایجاد می‌کند.

نکته اجتهادی: همیشه نباید به روایات به دید تعبّد نگاه کرد، مثلاً (بلا تشبیه) الآن در زمان ما اگر از يك مرجع تقلید سؤال می‌کنند او می‌گوید قیمت این را باید بدهد، اینطور نیست که بگوئیم این حتماً به عنوان تعبّد این را ذکر می‌کند، در روایات هم همیشه نباید به دید تعبّد نگاه کرد، بگوئیم در آن مسئله‌ي خانه امام تعبّداً فرموده باید قیمت داده شود ولو مال هم مثلي باشد تعبّداً، نه! ممکن است در آن زمان عقلا ولو در بعضی از اموال مثلي قیمتش را می‌دادند کما اینکه حالا يك روایتی را خود امام اشاره می‌کند که از این روایت استفاده می‌شود عکس این سه مرحله‌ي که تا حالا خواندیم؛ روایتی است که دلالت دارد ضمان به مثل است حتّی در قیّمیات، مرحوم آقای خوئی هم سه تا روایت آورده، ایشان قاعده‌ي اولیه را درست نقطه‌ي مقابل امام استفاده می‌کند، امام استفاده کردند که قاعده‌ي اولیه الضمان بالقيمة في جميع الاموال است، مرحوم آقای خوئی قاعده‌ي اولیه را معتقدند الضمان بالمثل في جميع الموارد است، آن وقت ایشان هم برای این قاعده‌ي اولیه يك روایتی را می‌آورند که از روایاتی استفاده می‌شود در بعضی از موارد قیمی ائمه فرمودند نصفش را بده.

اینها همه کم‌کم تأیید می‌کند آنچه که ما می‌خواهیم به آن برسیم، می‌خواهیم بگوئیم نتیجه این است که در فقه ما دو دسته روایات داریم، يك دسته روایات می‌گویند ضمان در جمیع موارد به قیمت است حتّی در مثلیات، يك دسته روایات می‌گویند ضمان در بعضی از قیّمیات به مثل است، آیا بیائیم بگوئیم بین این دو دسته روایات تعارض است؟ یا اینکه نه بگوئیم اشیاء مختلف ممکن است عقلا در يك زمانی يك چیزی را مثلي بدانند و در زمان دیگری قیمی بدانند، امام (ع) هم طبق ارتکاز عقلاي زمان خودش جواب داده نه به عنوان اعمال تعبّد. همیشه در عبادیات باید روایات را به دید تعبّد معنا کنیم، اما در بحث معاملات که بحث امضا و بحث امور امضائیه است چرا بیائیم روایات را به دید تعبّد معنا کنیم بعد هم بین اینها تعارض به وجود بیاید. حالا روی اصل مطلب فکر کنید ما در جلسه‌ي روز شنبه ان شاء الله روایت صحیحۀ صفوان جمّال را باید بخوانیم. مرحوم امام از آن استفاده کرده که ضمان به مثل است حتّی در قیّمیات و بعد این مصباح الفقاهه‌ي مرحوم آقای خوئی را هم که آدرس دادم این

چند روایت را ببینید، ببینیم که آیا از این روایات چه مطلبی استفاده می‌شود.

سخنی پیرامون ولادت حضرت معصومه (سلام الله علیه)

فردا مصادف با اول ذي القعدة است که سند محکمی بر اینکه ما بگوئیم ولادت حضرت معصومه (سلام الله علیه) است نداریم، اما از مرحوم والد ما (رضوان الله علیه)، که شاید اول کسی که نوشتند از آستانه‌ی مقدسه از ایشان سؤال شد، ایشان فرمودند در اینکه حضرت معصومه (سلام الله علیه) يك روزي به دنیا آمدند و يك روزي از دنیا رفتند که تردیدی نیست، ما بیائیم با حفظ اینکه دلیل محکمی هم بر این معنا نیست که حتماً روز اول است ولي عملاً اعلام کنیم که روز اول ذي قعدة - البته بعضی شواهد در برخی کتب هم وجود دارد، من سالهای گذشته هم در همین جا گفتم - اما بنای عملی بر این شده که روز اول را تجلیل کنند از حضرت معصومه (سلام الله علیه) به عنوان ولادت حضرت معصومه (سلام الله علیه). و واقعاً این وجود مقدس و این قبر مطهر، این همه برکاتی که در قم بوده از هزار سال پیش تا به حال که واقعاً بر محوریت این قبر مطهر این برکات بوده. حالا وقت نیست.

قدیم الایام ارتباط طلاب و فضلا با حرم مطهر بسیار زیاد بود، به طوری که مباحثات طلاب بعد از نماز صبح در حرم مطهر غوغا بود، یعنی وقتی نماز صبح تمام می‌شد مباحثات طلاب شروع می‌شد، عده‌ای نیم ساعت به اذان می‌آمدند به حرم زیارت می‌کردند و عبادت می‌کردند و نماز صبح‌شان را می‌خواندند و بعد شروع به بحث می‌کردند، باید به این معنا ما توجه داشته باشیم کنار کار علمی‌مان يك ارتباط محکمی با این مکان مقدس داشته باشیم، با صاحب این قبر شریف ارتباط محکم داشته باشیم. شما خودتان به همی ما یاد می‌دهید که تنها بانویی که از سه امام معصوم (در میان امامزاده‌ها) وارد شده که زیارت او بهشت را بر انسان واجب می‌کند حضرت معصومه (سلام الله علیه) است، از سه امام معصوم روایت معتبر وارد شده، جایی که این اندازه اهمیت دارد که از نظر معنوی انسان اگر خودش را متصل کند در این وانفسای انحرافات که در زمانه‌ی ما وجود دارد، انسان محفوظ می‌ماند، واقعاً خودمان را به حضرت بسپریم، این حرف‌ها و چیزهایی که گاهی اوقات در بعضی از انهان منحرفین هست که ما به جای اینجا به مشهد می‌رویم، آن هم جای خودش! همان‌ها فرمودند این زیارت را اگر کسی انجام بدهد بهشت برایش واجب می‌شود، علی‌ایحال يك ارتباطی داشته باشیم اولاً از جهت معنوی خودمان را به این قبر مطهر بسپریم، از نظر علمی؛ شما از مرحوم والد ما شنیدید و از تلویزیون هم مکرر پخش شده، ایشان خودشان می‌فرمودند برخی از مشکلات علمی را فقط با تشرّف در حرم حضرت معصومه حل کردیم، فهم بعضی از آیات با يك تشرّف برای ما روشن شد و ابعادی در آیات قرآن برای ما روشن شد، این کتابی که به عنوان آیه‌ی تطهیر ایشان نوشتند همراه با داماد امام مرحوم آیت الله اشراقی (رضوان الله علیه)، فرمودند این عنایتی است که حضرت معصومه به ما کرده، مدتها بود که در آیه‌ی تطهیر سؤالاتی برای ما مطرح بود که جوابش حل نمی‌شد، فرمودند من يك روزي تشرّف پیدا کردم به حضرت عرض کردم فقط خواسته‌ی امروز ما فهم این ایه است، اینها ارزش دارد، ما که به حرم مشرف می‌شویم در کنار حوائج مادی‌مان در رأس آنها حوائج علمی و معنوی، از زیارت‌هایی که در آن مسئله‌ی مسألت عاقبت بخیری است زیارت حضرت معصومه است، من معتقدم واقعاً کسی که متصل به این پایگاه باشد یکی از عنایاتی که خدا به او خواهد کرد این است که عاقبت او ختم به خیر می‌شود، البته این در همی زیارت‌های ائمه طاهرین وجود دارد و اساساً یکی از فلسفه‌های زیارت در این مسئله‌ی ختم بخیر شدن عاقبت انسان است ولي در اینجا يك خصوصیت ویژه‌ی هم هست که ان شاء الله هر چه بیشتر از این مرقد مطهر بهره ببریم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1]. «فتحصل من جميع ما ذكر: أن مقتضى الأخبار ضمان الأشياء بالقيمة مطلقاً، مثلية كانت أم قيمية، متعذرة المثل كانت أم لا، ولا بدّ في الخروج عن مقتضاها من دليل مخرج و الظاهر أنّ المثلي الذي وجد مثله خارج عنها، و يكون ضمانه بالمثل، كما ادعي الإجماع عليه و قال صاحب الجواهر: إنّ من قطعيّات الفقه و عن «غاية المراد»: أطبق الأصحاب على ضمان المثلي بالمثل إلّا ما يظهر من ابن الجنيد و قد أوّل كلامه أيضاً وكيف كان: فلا دليل على خروج مطلق المثلي، بل الخارج ما هو موجود مثله، لا المتعذّر، و لا نادر الوجود». الامام الخميني، كتاب البيع، ج 1، صص 591-592.

[2]. ر.ك: على بن الحسين العاملي الكركي، جامع المقاصد، ج 6، ص 245

[3]. محمد بن الحسن النجفي، جواهر الكلام، ج 37، ص 85.